

اعزام هیاتی از اعضای کمیته هماهنگی به کوره های آجرپزی (وایقان) و دیدار با نمایندگان کارگران

با پایان یافتن فصل زمستان و سر برآوردن جوانه ها از خاک و شکوفه های درختان و با فرا رسیدن فصل بهار و شروع سال نو، پر کردن اوقات فراغت و استفاده از طبیعت زیبا و نقاط دیدنی و توریستی، موزه ها و تفریحگاهها و لذت بردن از دیدن مناظر بکر طبیعی، شبی آرامیدن در هتلهای با شکوه و مجلل و سر زدن به مناطق مختلف کشور و حتی خارج از کشور، شرکت در اردوهای مختلف تفریحی و استفاده از تمامی و آخرین امکانات و دستاوردهای تفریحی بهداشتی و آسایشی، در لیست برنامه ریزی خانواده ها و دیگر گروههای اجتماعی قرار میگیرد. البته نه تمامی خانواده ها بلکه استفاده از تمامی امکانات جامعه فقط شامل حال خانواده های مخصوص و پر درآمد جامعه میشود و این فقط یک روی سکه و روی سفید آنست و اما.....

روی دیگر و سیاه این سکه، داستان پر از درد و رنج و مشقت دهها هزار زن و مرد و کودک نگون بخت و تیره روزی است که برای امرار معاش و کسب درآمدی ناچیز از نقاط مختلف کردستان راهی شهرهایی که کوره های آجرپزی در آنجا قرار دارند، میشوند و پنج شش ماه تمام و گاها بیشتر به شدیدترین شیوه ممکن استثمار میشوند و شیره جان آنها مکیده میشود تا عده ای زانو سفت هر چه بیشتر در آسایش باشند و آجرهای ساخته شده بدست کارگران، برجها و آپارتمانهای آنها را به آسمانها بسایند.

اینان دیگر به فکر سفرهای تفریحی و تفنن و پیک نیک نیستند، به فکر استفاده از چشمه های طبیعی آب درمانی و آسودن در ویلاهای مجلل نیستند، شاید در خواب هم غذاهای تمیز و خوشمزه نبینند، تمام هم و غم اینان و ملکه ذهنشان تحمل گرمای سوزان و وحشتناک جهنمی است که سرمایه داران برای آنان تدارک دیده اند، در این فکرند که نکند امسال یکی از اعضای خانواده شان در اثر سوانح محل کار از دست برود، در این فکرند تا جایی که در توان دارند بیشتر کار کنند تا اندک توشه ای برای حال و زمستانشان فراهم کنند تا از گرسنگی نمیرند.

اینان دیگر به فکر دیدن موزه ها و تفریحگاهها نیستند بلکه به دیدن خانه های تنگ و تاریک کوره پزخانه ها میروند و شورابهایی کثیف و غیر بهداشتی کوره پزخانه ها انتظارشان را میکشند. ساکنان این روی سکه دیگر در فکر اقامت در هتلهای مجلل نیستند بلکه اتاقکهای کاه گلی در انتظار آنها هستند و اینان میروند که نیروی کار خود را به ارزانترین قیمت ممکن به سرمایه داران بفروشند و تمام وجود خود را در معرض فشارهای طاقت فرسای کاری و شدیداً غیر انسانی قرار دهند و واقعا کار در شرایط سخت و طاقت فرسای کوره پزخانه ها جزء کارهای سخت و به شدت غیر انسانی به حساب می آید و درجه استثمار در آن در بالاترین مرحله خود قرار دارد.

و اینان به این ترتیب به سوی سرنوشتی مبهم و مخوف با دلی لبریز از درد و با قلبی آکنده از رنج و مرارت، گام برمیدارند و با صدایی لرزان فریاد میزنند: اهای اهای، حراج حراج. و با شنیدن کلمه محبوب و دوست داشتنی حراج، سرمایه داران زانو صفت از فرط شادی و هیجان، سرعت ضربان قلب همچو سنگشان زیادتر شده و خالق خود را شکر گزارند که باز هم نیروی کار حراج شد و ارزش افزوده خودشان بیشتر خواهد شد. آهای گرگهای گرسنه بیابید حراج کرده ام، این مقدار نیروی کاری که دارم میخواهم در قبال مزدی بخور و نمیر بفروش برسانم و شما آنقدر حریص و آزمند و طمعکار هستید که بر سر ارزانتز خریدن نیروی کار ما، ما کارگران و صاحبان تولید نعمت در جامعه رابه رقابت انداخته اید و هرکس نیروی کارش را ارزانتز به شما بفروشد، ظاهراً نزد شما محبوبتر است، اما بدانید که درست است ما گرسنه ایم اما بیداریم و از نیات پلید و زشت شما آگاهیم.

شهرستان شبستر واقع در استان آذربایجان شرقی با داشتن تعداد زیادی از کوره های ملی و دستی آجر پزی هر ساله تعداد زیادی از کارگران فصلی شهرهای مختلف کردستان را به سوی خود جذب می کند ، بیشتر این کوره ها در مناطق وایگان- دیزج خلیل – اروان گولی و سروان گولی قرار دارند که تعداد آنها در وایگان 330 الی 350 کورهی دستی – دیزج خلیل 5-6 کوره ی ملی و 20الی 30 کوره ی دستی- اروان گولی 30 کوره ی دستی و سروان گولی 7-8 کوره ملی و 20 کوره دستی – کوره های آجر پزی این منطقه حدودا 10الی 12 هزار نفر کارگر را در خود جای داده است .

از شهر شبستر تا شهر وایگان حدودا 3 کیلومتر راه است که به وسیله جاده آسفالت به همدیگر وصل می شوند ولی از ابتدای شهر وایگان تا 3 کیلومتر بعد از خارج شدن از شهر ، تعداد 330 الی 350 کوره دستی در هر دوطرف جاده باریک خاکی قرار دارند که مساحت هر کدام از این کوره ها چیزی در حدود 7 الی 10 هزار متر مربع می باشد . هر کوره بیشتر از 2 – 3 خانوار را نمی تواند در خود جای دهد و همین امر باعث شده است که به لحاظ بهداشتی ، خیلی در مضیقه باشند و از کمترین امکانات بهداشتی برخوردار هستند . در هر کوره حداکثر 3 یا 4 اتاق یا در واقع اتاقک وجود دارد که طول و عرض آنها 3 * 2 ، 3/5 * 2/5 و حداکثر 3*4

می باشد که این فضای کم و محدود هم به عنوان اتاق نشیمن ، هم به عنوان آشپزخانه و اتاق خواب و حمام مورد استفاده کارگران قرار می گیرد. اغلب این اتاقکهای تنگ و تاریک از کاه و گل ساخته شده اند و سرپوشی بنام سقف روی آنها را پوشانده است و بندرت دیده میشود که اتاقکی از آجر ساخته شده باشد . هر کدام از این اتاقکها ، ظرفیت 2 نفر را دارا هستند اما کارگران مجبورند 4 نفری در آنها استراحت کنند . اندازه هر آجر 21 * 11 * 6 می باشد و وزن هر آجر خشک حدودا 1/500 تا 1/600 گرم هست . کارگران به لحاظ بهداشت و درمان شدیداً در مضیقه اند و برای کوچکترین و بی اهمیت ترین مریضی و مراجعه به پزشک بدون دفترچه ، حداقل 15 الی 20 هزار تومان باید بپردازند . واقعیت این است که کارگران کوره های دستی از هرگونه حقوق انسانی محروم هستند ، حتی تهیه نان خشک برای کارگران معضل بزرگی به حساب می آید و گاهی یک قرص نان از 50 تا 70 تومان حتی 100 تومان به فروش میرسد و بدلیل کثرت کارگران ، بارها پیش آمده که نان به همه نمی رسد و این همه در شرایطی است که آسایش و رفاه و استفاده از کلیه امکانات جامعه در سطح فوق العاده بالایی برای بعضی از آحاد جامعه به اوج خود رسیده ، در حالی که کارگران شاغل در کوره پزخانه ها تحت سخت ترین شرایط روحی و جسمی کار میکنند . صبحها آسمان پر ستاره است که سر کار می روند و شبها وقتی دست از کار میکشند ، متأسفانه باز آسمان پر از ستاره است . 17 ساعت کار شاق و طاقت فرسا و در این مدت کارگر بدون استراحت ، شدیداً به جسم و روح خود فشار وارد میکند و تمام حواسش به کار است ، نکند خشتی گوشه نداشته باشد و یا خشتها به هم بخورند ، چون خراب میشوند . وعده های غذا خوردن باید به سرعت سپری شوند و در روز 5 وعده غذا می خورند . صبحانه نیم ساعت ، ناهشتای نیم ساعت ، ناهار حداکثر 1 ساعت و عصرانه و شام هم به همین ترتیب و پس از صرف شام ، کارگران از فرط خستگی و بیحالی در اتاقکهایی که بیشتر به لانه حیوانات شباهت دارند تا به مسکن انسانها ، به خواب فرو میروند . اما این خواب دیری نمی پاید و از ساعت 3-4 نیمه شب ، باز هم روز از نو روزی از نو .

در گروه پزخانه ها زنان و دختران بیشتر از مردان در رنج و عذابند ، بدلیل اینکه جدا از کار کردن ، باید به پخت و پز و لباس شستن و تمیز کردن اتاقکها و رسیدن به کودکان ، مشغول گردند . روزهای پنجشنبه و جمعه که روزهای تعطیل است ، زنان باید به این امورات برسند و تازه بعد از اتمام این کارها باید به میدان بروند و خشتهای خشک شده را جمع کرده و به فنر در آورند و به اصطلاح فنر بزنند . و شدت و فشار کار به حدی زیاد است که بارها اتفاق افتاده که زنانی که حامله اند تا زمان وضع حمل و تولد نوزادشان ، مشغول قالب زدن بوده اند . وضع و حال کودکان معصوم بسیار رقت بارتر و دردآورتر از بقیه است ، آنهاجایی برای بازی کردن ندارند و تنها جای تفریح و بازی آنها ، محیط کار والدینشان در میدان کار است و تنها وسیله بازی آنها گل و لای و شن و ماسه است و ساعتی متمادی با پای برهنه و سر و صورت غبار آلود ولبه های ترک خورده ، زیر نور آفتاب به شدت سوزناک و گرمای شدید و طاقت فرسای آن بالاجبار به بازی

مشغولند و پس از خسته شدن به گریه وزاری می پردازند که این امر باعث خشم والدین و سرکوفت زدن به کودکان میگردد و چون والدین نیز بر اثر فشار کار ، اعصابی برایشان باقی نمانده است . باید گفت که کودکان مظلومترین انسانهای کارگاههای آجر پزی می باشند . جدا از تمام مشکلات و نابسامانیها و معضلات بهداشتی ، وجود سوسک و پشه و مار عقرب واقعا " زندگی و جان کارگران را تهدید می کند و بارها اتفاق افتاده وقتی که همه خوابند ، ناگهان با صدای فریاد و ناله یکی ، وقتی که از خواب بیدار میشوند و لامپ را روشن میکنند ، مشاهده می کنند که عقربی یا ماری ، کارگری را نیش زده است .

به جز کارگران قالبدار در کوره های آجر پزی ، کارگران دیگری نیز مشغول به کارند که از جمله به چرخ کش ها میتوان اشاره کرد که کارشان به مراتب سخت تر از بقیه است . چرخ کشها معمولا مرد می باشند چون کارشان به لحاظ فیزیکی خیلی سنگین و طاقت فرسا است و در دسته های 6 - 7 نفره کار می کنند . وظیفه چرخ کشها ، انتقال آجرهای خام خشک شده از میدان قالبداران به داخل خمیرها می باشد. چرخ کش یک چرخ دارد که در هر سرویس 90 الی 100 خشت خام را به داخل خمیرها می برد تا کوره در دمای بسیار بالا، آجرها را بپزد و به آجر آماده تبدیل کند و برای انتقال آجرها به داخل خمیرها باید سرزیری تندی را طی کند و برای اینکار باید تمام اعضای بدن خود را هماهنگ کرده و به عقب بکشند تا چرخ از دستشان در نرود و کنترل خود را از دست ندهند . در غیر این صورت پایه چرخ به سینه و پاهای آنها برخورد کرده و باعث شکستگی اعضای بدن و یا حتی فوت چرخ کش می شود .

دسته ای دیگر از کارگران کوره پز خانه ها را قرمز دارها تشکیل میدهند که معمولا " گروههای 2-3 نفره کار میکنند و در گرمای فوق العاده شدید و درجه حرارت بسیار بالایی ، آجریایی را که تازه دستگاه از روی آنها برداشته شده است را به بیرون منتقل می کنند . وبسیار اتفاق افتاده که در اثر نامناسب چیده شدن آجرها و ریزش ردیفی از آجرها به سر کارگران قرمز دار ، باعث مرگ آنان شده است .

وضع جاده خاکی منتهی به کور های وایگان به حدی خراب و ناهموار است که اگر با پای پیاده از آن عبور کنی تا قوزک پا در خاکریزی فرو میروی که انگار در داخل آب راه می روی ودر اثر تردد و وسایل نقلیه ، گرد و غباری در این منطقه به هوا بلند میشود که وجود مه سنگینی را به ذهن متبادر می کند و با عبور هر کامیون و یا وسیله ای دیگر ، گرد و غبار به داخل اتاقکها و حتی سر سفره کارگران نفوذ می کند .

امسال کارگران پس از چند روز حضور در کوره پزخانه های وایگان متوجه میشوند که کارفرماها با هماهنگی با ارگانهای زیربسط ، دستمزد کارگران را در سطح سال قبل نگه داشته اند یعنی در ازای هر 1000 خشت فقط 7800 تومان پرداخت نمایند . کارگران به این امر معترض میشوند ولی از سوی کارفرمایان مورد بی توجهی قرار میگیرند . سپس تمام کارگران در میدان شهر جمع شده و به شور و مشورت پیرامون افزایش دستمزدها و مطالبات دیگرشان می پردازند و بعد از بحثهای فراوان به این نتیجه میرسند که در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها دست به اعتصاب بزنند . از بین خود نمایندگان را برای ادامه کار انتخاب می کنند . پس از اتخاذ این تصمیم ، همه کارها تعطیل می شوند و کارگران به مدت 5 روز اعتصاب می کنند . در خلال این پنج روز نمایندگان کارگران بارها با اتحادیه (؟) وایگان ، اداره اماکن ، بسیج اصناف ، فرمانداری ، بخشداری و اداره بازرگانی به بحث و مذاکره پیرامون بالا بردن دستمزدها و بهبود شرایط کاری و بهداشتی و . . . میپردازند و در این میان کارفرمایان و نمایندگان ارگانهای مختلف با حيله و نیرنگ و انواع ترفندهای دیگر ، سعی در تفرقه انداختن در صفوف کارگران و . . . می کنند ولی در مقابل اتحاد و یکپارچی کارگران ، کاری از پیش نمی برند و بالاخره نمایندگان کارگران با قاطعیت و پشتیبانی کارگران موفق به تحمیل دستمزد 10/000 تومان در قبال هر 1000 خشت به کارفرمایان می شوند و با کسب این پیروزی ، اعتصاب 5 روزه کارگران کوره پزخانه های وایگان با موفقیت به پایان میرسد و باعث موجی از شادی و غرور در بین تمامی کارگران و انعکاس وسیع آن در سطح منطقه می شود.

هیات اعزامی کمیته هماهنگی متاسفانه چند روز پس از پایان اعتصاب به آنجا رسید و طی نشستهای گوناگون و صمیمی با کارگران و نمایندگان آنها به دردهای آنان و مشکلات و معضلات شان گوش داده و همراه آنان راههای از بین بردن مشکلات و رسیدن به خواستههایشان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از معضلات عمده کارگران کوره پز خانه که شامل حال تمامی کارگرهای سراسر کشور می شود، فصلی بودن این کار و متفرق شدن آنها پس از پایان کار و قطع ارتباطشان تا سال آینده می باشد که تدابیری اندیشیده شد جهت تشکیل اتحادیه ، انجمن ، شورا و یا هر شکل دیگری که ارتباط مداوم کارگران را در فصل های غیر کاری با همدیگر زنده نگه دارد و هماهنگی های لازم بین آنان را برقرار نماید و حتی در مورد تثبیت دستمزدها و معضلات و مشکلات دیگر تصمیم گیری نمایند.

و تلاش برای احداث در راه اندازی 2 واحد نانوایی با اخذ سهمیه آرد از ارگان مربوطه و رفع مشکل کمبود نان کارگران ، اقدام در زمینه دیگر کمبودهای کاری کارگران .

هیات کمیته هماهنگی آن شب را تا ساعت 2 بعد از نصف شب با نمایندگان کارگران به بحث و گفتگو پرداخت و روز بعد به منازل تعدادی از کارگران سر زدند و از مشکلات و معضلات معیشتی و کاری آنان جویا شدند و در پایان در فضا بی صمیمانه و کاملا دوستانه با امید به پیروزی کارگران و رسیدن به خواستههایشان جمع آنان را ترک کردند.

(جلیل)

شهریور 1387

برگرفته از نشریه جنبش کارگری شماره 3 نشریه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری